

اگر انسان رویکرد خود را نسبت به فلسفه و عرفان درست کند

شماره پرسش: ۱۲۲۶۱

تاریخ ارسال پرسش: ۱۳۹۴/۲/۳۱ ۰۳:۵۵:۱۵

متن پرسش

با عرض سلام خدمت استاد گرامی: در مورد مطلبی که یک نفر از کاربران در مورد سیر مطالعه فلسفه و عرفان گذاشته اند باید گفت ایشان از نقش حد واسط کتب امثال جنابعالی غفلت کرده اند به این منظور که کتب جنابعالی چکیده روان و خوبی از آن سیر است که باعث می شود ضمن آشنایی اجمالی و خوب در مخاطب میل فراگیری مطالب عمیق فلسفی و عرفانی بوجود آید این چیزی است که خود ما تجربه کردیم، از طریق کتب شما متمایل شدیم به مطالعه فلسفه و منطق در حالیکه به نسل امروز نمی توان به طور مستقیم گفت برو آن سیر استاد رضانی را فرا بگیر حتی طلاب هم انگیزه چندانی ندارند در حالی که کتب شما حد واسط خوبی است برای آن سیر هر چند آن کتب به خودی خود هم دارای ارزش و اعتبار است و میل به فراگیری فلسفه و عرفان یکی از نتایج مطالعه کتب شماست. در مورد مولوی و موسیقی هم جالب است در مثنوی مولوی هیچ سفارشی نسبت به موسیقی ندارد حتی بعضی جاها آن را تخطئه هم می کند مثل داستان پیرچنگی که می گوید تو حجاب من بدی از اله البته دیوان غزل ملاک نیست چون زبان غزل زبان خاصی است حتی در اشعار مرحوم حاجی سبزواری هم خیلی از الفاظ موسیقی استفاده شده در حالیکه شرح حال آن مرحوم مشخص است. با تشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بنده در هر دو مورد با جنابعالی موافقم زیرا اگر انسان رویکرد خود را نسبت به فلسفه و عرفان درست کند و سپس به آنها رجوع نماید می داند برای چه هدفی فلسفه و عرفان بخواند و شاید در مباحث بنده این نتیجه، حاصل آید. و در مورد مولوی به نکته‌ی بسیار دقیقی اشاره فرمودید که اینان هرگز تشویقی به موسیقی به معنای معمول آن ندارند بلکه نظر به شرایط آهنگین نظم عالم قدس می کنند و هر آنچه که این نگاه را برای آنها فراهم کند، ارج می نهند. موفق باشید